



۱۵۲ روز دیگر تا راه اندازی خط ۳ مترو

فاز نخست طولانی ترین خط مترو مشهد در ۲۲ بهمن آماده بهره برداری است

۲۰



راهبرد و زمینه سازی های امام حسن عسکری (ع) در جامعه برای منجی آخرالزمان

شبکه سازی شیعیان برای عصر غیبت

۱۴

اختتامیه شصت و نهمین جشنواره منطقه ای سینمای جوان در پردیس ملل مشهد برگزار شد

پایان رقابت فیلم های کوتاه در سرزمین خورشید

۱۱

پس از ۵ سال انتظار و با اتمام عملیات عمرانی صورت می گیرد

یک ماه تا بازگشت کسبه به «سرای عزیزا... آف»

۲

سختگوی شورای اسلامی مشهد، رئیس شورای عالی استان ها شد

۱

نگاهی کوتاه به تاریخ ورود سینما به مشهد و روزگار رفته بر آن سیمای مخدوش پیغمرد صد ساله

۱۵



زخم کهنه دکل ها بر قن آرامگاه فردوسی

درباره پرونده قدیمی دکل های برق فشارقوی که روند ثبت جهانی توسعه تأثیر اندخته اند

۱۲۳



توصیه سجاد لطفی، نفر سوم کنکور

تجربی کشور به داشت آموزان

کنکور تلاش و اعتماد

به خود است

محله ۹

ستاره های تیم ملی فوتسال پیش از اعزام

به جام جهانی به مشهد آمدند و با دختران

مؤسس «همدم» هم نشین شدند

رقبات مهریانی

قبل از جام جهانی

شماره ۲۰۸ کوه بیش منتشر شد

شهرآرا از حضور بازرسان در بازار نوشت افزار
مشهد گزارش می دهد

ذره بین نظارت
بر بازار نوشت افزار

۱

فرصت استثنایی

۵۶٪ تخفیف

برای تبدیل مجوزهای بهره برداری
موقت تجاری به دائم (طبق طرح تفصیلی)

۳۷٪ تخفیف

برای اخذ تجاری دائم در سایر موارد
(طبق طرح های تفصیلی)

فقط تا پایان مهرماه



اطلاعات بیشتر ۱۳۷
و مراجعه به شهرداری های مناطق

مراسم عزاداری شهادت امام حسن عسکری (ع)



سخنران:
حجت الاسلام حاج سید محمد سلطانی

ریاست محترم شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

قرائت دعای کامل

حجت الاسلام حاج شیخ کاظم عربی



قرائت زیارت عاشورا

حجاج حسین قلی راد



تلاؤت قرآن

سید محمد رضا حسینی



مداح: کربلائی

مجری

ابراهیم الهی

زمان: پنجشنبه ۲۲ شهریور همزمان با نماز مغرب و عشا
مکان: مشهد مقدس حد فاصل میدان قائم و میدان استقلال آزادی ۳۶

مسجد پیامبر اعظم(ص)



از واام اشغال تا دغدغه پرداخت هزینه درمان



اقادمه انجام بدھیم.

● زان رهاشده و بدون مسکن

خانم جوانی که در طرح نهضت ملی مسکن با مشکل روپرورد شده است درخواست خود را با فرماندار در میان می‌گذارد. همسرم سه سال است که من راتک کرده و فتح است. طلاق راه ثبت نکرده‌ایم. به همین دلیل حون سپریست خانوار محسوب نمی‌شوند زمین از مسکن ملی به من تعلق نمی‌گیرد. اگر ممکن است با توجه به شرایطم به من نیزه‌شین بدهند.

فرماندار در پاسخ به این درخواست می‌گوید: تا نکته نیستند نمود شما سربirs خانواره تلقی نمی‌شود. مگر اینکه از دادگاه نامه‌ای بیاورید مبنی بر اینکه مراحل طلاق در حال انجام است که پیگیری کنیم. در غیر این صورت تخصیص زمین قانونی نیست.

●

باز هم حکایت نبود دارو برای بیماران خاص

پسر معلولی که به کمک مادرش به سختی راه می‌رود مقابل فرماندار می‌نشیند توانایی تکلم ندارد. مادرش می‌گوید: داروهایش پیدا نمی‌شود. دلیل بیماری حاضری که دارد دچار افت فشار می‌شود داروهایش کمیاب است و دیگر توانایی پرداخت هزینه‌هاش را نداریم. همسرم هم در این پیش‌کاری کنند. در ادامه کافی این همه هزینه را منم دهد.

فرماندار بالا فصله مستله را بازیمی بیگیری می‌کند

وقول می‌دهد که با پیگیری، داروهایش را به صورت رایگان تخصیص دهنند.

ساکنان انتهای پورسینا خواستار ساماندهی اراضی رها شده حوالی چند مدرسه هستند

در حصار زمین‌های خاکی و خالی

شهردار منطقه ۶ مشهد: برای رفاه حال شهر و دانش آموزان، قسمتی از معبر تا مهر آماده‌سازی می‌شود

و درخواست‌های مکرر شهر وندان. برای رفاه حال مردم، آسفالت شده و بعد مالک آن علیه شهرداری کشایت کرده است.

●

دغدغه جدی مانیزه‌ست

مدیر آموزش و پیورش ناحیه ۵ مشهد در پاسخ به این درخواست شهر وندان می‌گوید: دغدغه شهروندان می‌گوید: مالکان زمین‌های محدوده مورداً شاهزاده باید برای تعیین تکلیف زمین‌ها پرداخت سهمه‌ای را این ساخته از خانه شان با لباس زدن کنند. این داشتگی کنند. این داشتگی کنند.

●

احمد سجادی با اداء این دعوه همچین داشتگی در نشستهایی از دست این داشتگی کنند. این داشتگی کنند.

●

از این داشتگی کنند. این داشتگی کنند.

●

</div



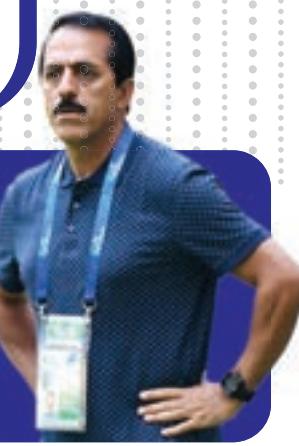
مربی خراسانی، گزینه دستیاری پیاتزا

پس از انتخاب روبرتو پیاتزا به عنوان سرمربی تیم ملی والیبال ایران، مهم ترین موضوع انتخاب دستیاران ایرانی اوست که گویا در مربی تاییدجا جزو گزینه های جدی هستند. براساس شنیده ها، محمدرضا نادر و رضا مؤمنی مقدم گزینه های دستیاری پیاتزا هستند. رضامونی مقدم، سرمربی خراسانی تیم ملی جوانان، پیش از این در سال های قبل توانسته بود بازیگرها را با تیم ملی جوانان شایستگی هایش را ثابت کند. مؤمنی مقدم همین سال گذشته با تیم ملی جوانان توانست عنوان قهرمانی جهان را برای والیبال کشورمان به ارمغان بیاورد. او با جوانان قهرمان آسیا هم شده است و کارنامه درخشانی دارد.

سرمربی مشهدی تیم ملی فوتبال نوجوانان بیان کرد

بازیکنان باید در اختیار باشگاه ها باشند

عباس چمنیان، سرمربی تیم ملی فوتبال نوجوانان، گفت: برای کمک به فوتبال کشور با باشگاه ها در تعامل هستیم. همه بازیکنان از این هستند به هر باشگاهی بروند و با هر سطحی که مریانشان تشخیص می دهند، کار کنند.



قرعه کشی لیگ برتر والیبال انجام شد

«سپهر صدرا» مهمان در اولین گام



قرعه کشی فصل جدید رقابت های لیگ برتر والیبال انجام شد و براین اساس نماینده مشهد در این رقابت ها باید در هفته اول به عنوان مهمان به میدان برود. رقابت های لیگ برتر والیبال در حالی امسال برای نخستین بار در این رویداد به میدان خواهد رفت؛ تیمی که چندی پیش با خرد امتیاز باشگاه تیان الکترونیک جواز حضور در لیگ برتر را بدست آورد و حالا انتظار می رود با هدایت امیر حسینی، پاسور نامدار اسپی و والیبال ایران، بتواند باز در تیم بگرامی شود که تیم سپهر صدرا می شود که گفته باشد با خود این رقابت را خواهد داشت. سپهر صدرا از مشهد، طبیعت، مس رنسنیان، گیتی پسند اصفهان، سپاهان، گیلان، مهرگان، شهرداری ارومیه بروند. این بازی چهارشنبه ۱۰ مهرماه از ساعت ۱۶ در سالن ۶ هزار نفری غدیر برگزار خواهد شد. مشهدی هادر هفته دوم به عنوان میزبان به میزبانی می شود دیگر در سالن ۲۹ شهریور ماه به میزبانی اسپی و والیبال ایران، بتواند بارگرامی شود. باز در این موقوع سالن ۶ هزار نفری تانیانه از مشهد آماده بروند. بازی در اتحاد بگرامی شود، بازی در اتحاد بگرامی شود. باید منتظر نشست و دیدنماینده مشهد در این فصل رقابت ها چه عملکردی خواهد داشت و در پایان فصل به چه زندگی می رسد.

نمازیان



دختران آهنین خراسانی در قهرمانی جوانان جهان

مزده رنگیان

سه ملی پوش وزنه برداری جوانان دختر، در ترکیب شش نفره اعزامی به مسابقات جهانی اسپانیا جای گرفتند. تیم ملی وزنه برداری جوانان ایران در فاصله یک هفته مانده به شروع مسابقات، برای حضور در مسابقات جهانی وزنه برداری جوانان آماده می شود. این رقابت ها از ۲۹ شهریور ماه به میزبانی اسپی و والیبال ایران برگزار خواهد شد.

کادر فنی تیم ملی اسامی یازده وزنه بردار مرد و شش وزنه بردار زن را برای حضور در این مسابقات اعلام کرده است. با توجه به حضور چند وزنه بردار در هر دسته وزنی، رقابت داخلی برای کسب سهمه حضور این بین این رقابت ها از ۲۹ شهریور ماه به میزبانی سپاهان نزدیک خواهد بود. امسال در بخش دختران پیشگاه کشور شرکت کردند و ایران شش نماینده دارد. دن نماینده در گروه B مشهد و بقیه در گروه A حضور دارند و نیمی از تیم ملی دختران را مشهدی ها تشکیل می دهند. در دوره قبلی مسابقات که آیان ماه سال ۱۳۹۷ شده در مکریک برگزار شد، فدراسیون تصمیم گرفت تیم ملی دختران را از ۱۴ مهرماه شروع برای سپاهان از ۱۵ مهرماه به قدرنیز رسید. در آن زمان کوروش باقی، سرمربی تیم ملی زنان، درباره علت اعزام نشدن تیم ملی وزنه برداری دختران به مسابقات قهرمانی جوانان جهان گفته بود که هیچ کدام از دختران به رکورد ورودی نرسیده بودند.

ریحانه کریمی، کیزان مقصودی و غزل حسینی به رکوردها نزدیک بودند. اما باز هم آن ها به رکوردهای مخصوص شده نرسیدند. حالا بعد از گذشت یک سال، تیم ملی دختران نیز قرار است در مسابقات جوانان جهان روی تخته برود. در دسته ۴۶ کیلوگرم سیده غزال حسینی، ملی پوش مشهدی، حضور دارد. در دسته ۷۱ کیلوگرم نیز ریحانه کریمی، دیگر ورزشکار مشهدی، است که قرار است در کنار فاطمه کشاورز در این وزن رقابت کند. در دسته ۷۶ کیلوگرم هانیه شریفی حضور دارد و سومین ملی پوش مشهدی حاضر در این دوره پژنیا فرنوش کیا در دسته ۱۱ کیلوگرم است که اولین حضورش در مسابقات جهانی را تجربه می کند. در دسته ۸۷ کیلوگرم نیز کیزان مقصودی وزنه بردار خواهد شد.

روز گذشته رکورد ورودی وزنه برداران دختر و پسر ایران در قهرمانی جوانان جهان مخصوص شد که در بخش دختران و زنده برداری ۴۶ کیلوگرم ۱۳ وزنه بردار به قابلیت می برواند. رکورد ورودی نماینده ایران سیده غزل حسینی ۲۵ کیلوگرم است.

در گروه A دسته ۷۱ کیلوگرم، ۱۳ وزنه بردار حضور دارند که رکورد ورودی نماینده ۲۲ کیلوگرم است. فراغه ۶۷ کیلوگرم ۷ نفر شرکت کردند که رکورد ورودی هانیه شریفی ۴۶ کیلوگرم ۱۰ وزنه بردار برابر است. گروه B دسته ۱۱ کیلوگرم میزبان ۷ نفر است و برزیبا فنوش کیا زنده بردار در دسته ۲۵ کیلوگرم در این دسته حضور دارد. در گروه A دسته ۸۷ کیلوگرم ۹ وزنه بردار به رقابت خواهد داشت و رکورد ورودی کیزان مقصودی ۲۶ کیلوگرم است.

تابلو اعلانات

برنامه مسابقات فوتبال کمتر از ۱۸ امسال لیگ برتر استان هفته هفتم - مزن جمن نخست مشهد

پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۳

پرسپولیس - شریعت نون

استعداد برت - عالی حرفا

جمهور ۱۴۰۳

بازار ۱۴۰۳

ب

رفیق‌کشی در گاوداری بر سر انگشت



متهم در حال اعتراف به جرم در برابر باز پرس جنایی در محل وقوع جرم / عکس: شهر آرا

همان حوالی شناسایی و در اقدامی ضرورتی دستگیر شد.

اعتراف صریح به جنایت
با منتقال متهمن به قتل به محل وقوع جنایت.
وکه از اقدام خود پیشمان بود بلا فاصله
به مردم اعتراف کرد و علت آن اختلافات
لذذشته دانست. متهمن به قتل در پاسخ
به مقام قضایی درباره ریشه اختلافشان
مدعی شد که از مدتی قبل انگشتاری
شد و در سویش امانت داده است. اما هر وقت
از او می خواسته تا انگشتارش را پس بدهد.
رفیق طفره می رفته و او را سرمی دوانیده
است. تالیکه روز گذشته او با مخفی کردن
چاقو در لباسش تصمیم می گیرد که کار

که بر اثر بریده شدن شاهرگ گردنش در بیمارستان جان باخته است. بازپرس جنایی و گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به منظور مشخص شدن علت این جنایت راهی محل حادثه درگاوداری شدند. باحضور تیم جنایی مشخص شد که مقتول در وسط محوطه این دامداری سقوط کرده است و خون زیادی روی زمین ریخته بود. در ادامه با همکاری اطراحیان هوتیت قاتل شناسایی و تحقیقات به منظور دستگیری متهم آغاز شد. با اقدامات فنی و حرفة ای تیم جنایی و تلاش کارآگاهان زیده پلیس آگاهی خراسان رضوی، متهم ساعت ۱۲:۳۰ در بالفاصله موضوع را به اورژانس ۱۱۵ می‌کنند و کارشناسان اورژانس نیز با حضور در صحنه بالفاصله مصدم را به بیمارستان شهید کامیاب منتقل می‌کنند. اما ساعتی بعد این فرد بر اثر شدت جراحت جان خود را از دست می‌دهد.

مهرابازی های کودکانه، سه پرسیچه لارستانی را راضی نمی کرد و آن ها تصمیم گرفتند در آخرین روزهای تابستان برای آب تنی به سد خاکی منطقه خود که محل جمع آوری آب باران است بروند. این سه پرسیچه که بین هفت تا ۱۵ سال داشتند ابتدا در همان حاشیه سد به شنا پرداختند اما به مرور زمان جلوتر رفتند و هر سه آن ها با هم غرق شدند.

آتش به جان کوه سفید

مشرق آتش در مراتع و جنگل های کوه سفید شهرستان کهگیلویه پس از قله ای کوتاه دوباره شعله و رشد آتش سوزی در این منطقه بالاتاش جنگلگابان و همکاری مردم پس ازگذشت شش ساعت مهار شده بود. اما به دلیل وزش باد در منطقه آتش دوباره شعله و رشد و به جان جنگل ها و مراتع افتاد. سخت گذر بودن منطقه، وزش شدید باد، پوشش گیاهی کم نظری منطقه و همچنین کمبود نیرو و تجهیزات، مهار آتش را با مشکل روبه رو کرده است.

قتل به خاطر یک گردن بند

خبرگزاری پلیس اپس از کشتن پیرزن دچار چنان وحشتی شده بود که پادیدن پلیس در خیابان ناخودآگاه شروع به دویدن کرد. مأموران که شاهد فرار مرد جوان بودند، او را تعقیب و دستگیر کردند. در بازرسی از متهمن مقادیری طلا کشف شد. موضوعی که باعث شد مأموران که ابتدا تنها تصور می کردند این مظنون سارق است، اورا دستگیر و به کلانتری منتقل کردند. متهمن با اینکه در ایندا منظر از کتاب هر جرمی می شد درنهایت اعتراف کرد که برای به دست آوردن طلاهایی که پلیس ازاو کشف کرده دستش به خون یک پیرزن آلوه شده است. با حضور پلیس در محل، مأموران با جسد زن سال خورده روبه رو شدند. متهمن اعتراف کرد که در حین سرقت گردن بند صاحب خانه فوت کرده است. فرد دستگیر شده همچنین در اعترافاتش پایی یکی از بستگان پیرزن را به میان کشید و بیان کرد که کلیدگاو صندوق او وسط یکی از بستگان زن سال خورده در اختیارش قرار گرفته بود و انتهایا به قصد سرقت وارد منزل مقول شده است.

سقوط جوشکار از داربست مرگ

خبر

بایزاده سال هاست که هر روز قبل از طلوع آفتاب از خانه بیرون می زند تا خود را به پروژه ساختمان های ییمه کاره برساند. او دیروز به ساختمانی در حمیدآباد می رود. در کارگاه لباس هایش را عرض می کند و از پایین داریست. خود را به طبقات آخر ساختمان می رساند. اما متوجه می شود طناب اپل راه راه خود نیاورده است. او به تجربه خود عتمد کرده و بدون تجهیزات ایمنی کارش را شروع می کند. هنوز لحظات زیادی نگذشته که صدای هیچی بی همه شهر و ندان را شوکه می کند. این کارگچون به خاطر غفلتش از این ساختمان نیمه کاره سقوط کرده و جان خود را از دست می دهد.

جع^ل هويت و کلاهبرداري در فضای مجازی

خبر

پیام برای تمام آشنايانش از آن ها درخواست پول کرده است. او بلافاصله با تمامی مخاطبانش تماس گرفت و همه را از اريز پول منع کرد و درادامه خبر کلاهبرداری هفتاد ميليون تومني را با جعل هوبيتش به پليس گزارش کرد. برای پيگيري اين گزارش مأموران کلانتری فياض بخش، مأمور رسيدگي به اين پرونده شدند.

پليس با استفاده از سرنخ هاي به جامانده از متهم و دنبال کردن مسیر پول، خيلي زود موفق به شناسابي و ردزنی متهم شد. مأموران وقت را هدر ندادند و پس از هماهنگي با مقام قضائي، متهم رادر محدوده بولوار مدرس دستگير گردند.

جلائين اصبح زود بادیدن صفحه تلفن همراهش و مشاهده دوازده پيماكم، خواب از چشمانيش پريدي. در اين پيام هاتمامي آشنايانش گفته بودند بين دو تاده ميليون تومنان بر ايش و اريز گرده اند. مرد جوان برای اطلاع از ماجراها آن ها تماس گرفت و همه به او گفتند که شب گذشته خودش در فضای مجازي به آن ها پيام داده که مشكلي بر ايش بيش آمده و نياز فوري به پول دارد!

مرد جوان با ديدن تصاویر اين پيام ها تازه فهميد که شخصي پس از پيدا کردن دسترسى به مخاطبان تلفن همراهش. در فضای مجازي با نام و تصوير او صفحه اي ايجاد کرده و با ارسال

۷. بیمار مدیون نیک اند پیشی پک خانواده



با فراهم شدن مقدمات عمل اهدای عضو سید امیر و پیوند هفت دریافت‌کننده عضو در دو بیمارستان امام رضا^(ع) و منتصريه، سید امیر علی همه اتاق عمل منتقل شد. عمل اهدای عضو این جوان با رسال قلب اوبه بیمارستان امام رضا^(ع) و پیوند آن به زنی چهل و هفت ساله اهل مزدوران سرخ آغاز شد. پس از قلب، نوبت به کبد رسید که پیشکان آن را در بیمارستان منتصريه به مردمی و شش ساله ساکن مشهد پیوند زندند. با پیوند موفق قلب و کبد، نوبت به عمل اهدای کلیه سید امیر علی، به دو زن جوان بیست و پنج ساله فریمانی و چهل و دو ساله گلمهاری شد. عمل اهدای عضو سید امیر علی با رسال دوقرنیه و به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی و پیوند خوشی از پوستش در بیمارستان امام رضا^(ع) به

هفت بیمار را که هر کدام سال‌ها درگیر بیماری‌های مختلف از جمله قلبی، کبد، کلیوی و... پودند، نجات دهد.

جلایران همین چند روز قبل بود که سانحه رانندگی شدید در جاده‌های پر پیچ و خم نزدیک نزیت حیدریه رخ داد. سانحه‌ای که بلا اصلاحه امدادگران برای یاری به مصدومانش به محل تصادف اعزام شدند. اورژانس، مصدومان این سانحه را به بیمارستان امام حسین^(ع) شهرستان تربت حیدریه منتقل کرد. جایی که مشخص شد با وجود تلاش‌های کادر درمان، یکی از مصدومان که جوانی بیست و پنج ساله اهل قائن بوده چهار مرگ مغزی شده است.

پیزشکان خبر مرگ مغزی «سید امیر علی اسحاقی مقدم» را با خانواده‌اش در میان گذاشتند و در دامنه به آن‌ها پیشنهاد کردند با اهدای اعضای و به بیماران نیازمند موافقت کنند. پیشنهادی که این خانواده قائیه‌ای با آن موافقت کردند تا پیکر این جوان به بیمارستان منتصریه مشهد

مهرآ در پی باران های سیل آساد را جنوب مراکش تا کنون یازده نفر کشته و ۹۶ نفر دیگر ناپدید شده اند. هفت نفر از قربانیان در استان تاتا جان باخته اند و چهار نفر دیگر از جمله یک تبعه خارجی، در استان های اراشیدیا و تیزنيت پیدا شده اند. این حادثه منجر به فرو ریختن چهل منزل

داتا شرکت ۱۴۰۱ شعبانی از تعداد



العين ایک راننده آمریکایی کہ در حالت مستی در حال رانندگی بود، پس از برخورد خودرویش با یک خانہ در رایالٹ میشیگان، در حالی خودرویش واژگون شد کہ راننده بہ طرز عجیبی از شیشه جلوی بہ پشت بام خانہ پرست شد۔ این حادثہ در شهر بریچپورت، ساگیناو، در رایالٹ میشیگان آمریکا رخ داد۔ پلیس محلی علت حادثہ را سرعت زیاد دانستہ است۔ راننڈہ مصدوم بہ بیمارستان منتقل شد۔



وانگ ژه| ترجمه آزاد: گروه «فرهنگ و ادبیات»

او، هنری (O. Henry) (۱۸۶۲-۱۹۱۰) به خاطر پایان‌های غافلگیرکننده معروف بود که ویزگی مشترک داستان‌های کوتاه اوست. داستان‌های او معمولاً به گونه‌ای تمام می‌شوند که هرگز نمی‌تواند تصور کنید. او، هنری به دلیل زبان طنز، مهارت‌های روایی منحصر به فرد و پایان غیرمنتظره و معقول داستان‌های شهرت خوبی به دست آورد.

او در آثارش از زبان روانی طنز و طرح روانی روانی برای پیشبرد داستان استفاده می‌کند. به طوری که خواننده هنگام مطالعه، ناخودآگاه پایان کل داستان را استنباط می‌کند. اما آنچه در پایان رخ می‌دهد، اغلب، با پایانی که خواننده پیش بینی کرده است، متفاوت است که همین امر باعث تعجب خواننده می‌شود.

با این حال، بانگاهی به داستان، این پایان بندی های معموق می‌نماید و معلوم می‌شود که می‌تواند موضوع رمان را بهتر بررسی کند. درک این پایان برای بسیاری از خواننده‌گان دشوار است، اما اگر دقیق نگاه شود، حققت عمیق موجود در آن بسیار تأمل برانگیز خواهد بود. این نوع پایان را در واقع می‌توان بیشتر اوقات «نقشه عطف» یا «بهتر بگوییم»-پایان نقطه عطف نامید. تکیک پایان دادن به نقطه عطف در پایان قرن نوزدهم ظهرور پیدا کرد. ظهور و رونق آن، با تاب افکار و اندیشه‌های مردم انگلیس و آمریکا در جامعه آن زمان بود. مردم، مشتاقانه، منتظر پایانی خوش براساس داستان متنی هستند، اما امیدوارند نتایج متفاوتی از پایان نقطه عطف مهم بینند.

پس از تولد پایان بندی به سبک او. هنری، توجه بسیاری از نسل های بعدی ادبیات به آن جلب شد. در عین حال، امروز هم افراد کمی نیستند که برای حلق داستان های خود از این نوع پایان بندی استفاده می کنند، زیرا تولد پایان بندی به سبک او. هنری از روی هوس نبود، بلکه نویسنده، به واسطه زندگی افسانه ای خود و با بینش هایی که از تجارت زندگی و ادراکش از جامعه به دست آورده بود، آن را خلق کرد. او با طرز تفکر و مهارت های منحصر به فردش در نوشتن، سرانجام، این سبک پایان بندی را ساخت که به نسل های بعدی منتقل شد. ویزگی های پایان بندی به سبک او. هنری، عاتی اند...

۱- مسکنده از پری صفر

او، هنری در داستان هایش، معمولاً از زبان طنز استفاده می کند تا انری زنده خلق کند؛ در عین حال با این کار به خوانندگان اجازه می دهد در فرایند خواندن با زبان او هدایت شوند تا حدس و گمان های به ظاهر پایانی را در آن های جاد کند.

۲- مهارت های روایت منحصر به فرد

در آثار او، هنری، طرح داستان عمده تابسیار روان است و تناقضات مستقیم و شدید کمی شود. با گذر زمان، داستان، ملایم و گام به گام به سمت پایانی به ظاهر محکوم به شکست و بدون

پایانی کاملاً متفاوت می‌برد که خوانندگان را شگفت زده می‌کند.
۳. پایان غیرمنتظره و معقول
 او هنری برای هموارکردن مسیر داستان هایش از تعداد زیادی طرح در اینجا و سطح کار استفاده می‌کند تا کار را توسعه بدهد. در پایان، ناگاهان جلو طرح قرار می‌گیرد و پایان معکوس می‌شود. بنابراین خوانندگان حساس شفقتی می‌کند. اما این کار اصلًا غیر منطقی نیست؛

اهمیت پایان بندی به سبک او. هنری
او. هنری مردی با تجربه بود و زندگی پفراروزنشیبی را ز سر گذرانده بود. در کمپیجیدگی ها و چشیدن سختی های زندگی سبب شده بود که مشقت های زندگی مردم را نیز به خوبی بشناسد. بنابراین، اودر آثار خود، اغلب، از زبانی ساده و طنزآور برای شرح داستان هایی استفاده می کند که معانی واقع گرایانه را آشکار می کنند. او. هنری از پایان های غیرمنتظره برای برانگیختن تفکر خوانندگان درباره طبیعت انسان بهره می برد. نتایج طرح ها، غیرمنتظره. اما معقول و مطابق با واقعیت زندگی است. درنتیجه جذابیتی منحصر به فرد ایجاد می کند و می توان گفت تأثیر آن بر ادبیات پس از خودش

بیسیر سنتی است. از نظر مهارت‌های نوشتاری، می‌توان گفت که آثار ادبی با پایان بندی به سیک او، هنری بر تعداد زیادی از آفریده‌های ادبی بریتانیایی و امریکایی نسل‌های بعدی تأثیر گذاشته است؛ به ویژه در دوران انقلاب صنعتی دوم، آثار زبانی از این دست تولید شد که با انتقاد از منفعت طلبه‌زیاد جامعه به پایان می‌رسید و اندیشه‌های آثار انتقادی واقع‌گرایانه را به انسان‌گرایی (اومانیسم) و فلسفه تعالی بخشد. در آن زمان، ادبیات انتقادی در بریتانیا و آمریکا بسیار تند و خشن بود و نویسنده‌گان با الفاظ مستقیم و تند به جامعه خود حمله می‌کردند. آن‌ها سخنان انتقادی خود را پیهان نکردند، به این امید که نقدشان ازی عدالتی اجتماعی را فریاد بزنند. با این حال، این نوع انتقاد برای توسعه ادبیات مناسب نیست و تنها به درگیری‌های بیشتری دامن می‌زند. در عین آنکه آثاری از این دست، بیشتر نقدهایی عادلانه‌اند، نویسنده‌گان آن‌ها نگفته‌اند که چه باید کرد. انتقاد با پایان بندی به سیک او، هنری اما متفاوت است. زیرا نه تنها نقد بلکه دکترین حقوق شرمنیزد رنقد و طنز آشکار می‌کند؛ به عنوان مثال، داستان «هدیه کریسمس» در عین اینکه تلاشی است برای انتقاد از وضعیت جامعه آن‌هم با طنزی تاخ. فداکاری‌های زوجی به نام «دلاء» و «جیم» را هم نشان می‌دهد که داستان را به اثری سرشار از عشق و ستایش از

عشقی زیبا تبدیل می‌کند.
پایان بندی به سبک او. هنری همواره در دنیای ادبی مشمول تحسین قرار گرفته است و نویسنده‌گان بسیاری از آن الگو گرفته‌اند، حتی می‌توان گفت که جایگاه آن در جهان ادبیات منحصر به فرد است و به این ترتیب به روشنی کلاسیک برای خلق داستان کوتاه تبدیل شده است. این سبک حتی بیش از یک مهارت در نویسنده‌گی است و دارای اهمیت ایدئولوژیک هم هست.
پایان بندی به سبک او. هنری یکی از صاممن هنرمندانه زندگی در جامه‌ای خاص است. این سبک می‌تواند خوانندگان را به شدت جذب کند، دلبلستگی به رمان و ماهیت فلسفی آن را تراکاهد، به تمامی اثرافسونی منحصر به فرد بیخشند، و خوانندگان را برانگیرید و الهام بخش آنان باشد تا تغییرموضع بدهن و عمیقاً درباره زندگی خود فکر کنند.

پشوی اور اوق اگر ہم درسی مایی

یادی از برخی استادان فرهنگ و ادبیات که در شاعری نیز دستی داشتند

تعدادی از استادان دانشکده علوم معقول و منقول

علی شریعتی(۲) آذر ۱۳۹۲-۱۳۵۶ خرداد (۱۳۵۶-۱۳۹۲) علی شریعتی در این بین می نماید: استاد تاریخی تأملات پدیداعش در باب امذه هب تشیع و نیز سخ پژوهش شناخته می شود توافق و درنگ حضور او سلسله را موجه نشان می دهد. درست شریعتی تاریخ پژوه بود. اما امروز عامله مخاطن شریعه ای شاعرانه ای همچون «کویر» به همراه گویی اثری ادبی است. این منفکر استانی به نام «قصه حسن و محبوبه» است. اما، چنان که می شود حدس زدن شریعتی هم رنگ و بوی تاریخ و مذهب داشتار او به نام «مرد شیرگیر» گواه روشن دعاست:

در حیرتم ز چرخ که آن مرد شیرگیر/ باد غل شد چرا اسیر// ای شاهیار عز و شریسر/ با های و هوی لاشخوران امیدی با منتشری که در دل این مُلک شعله زد/ بانیریو با فکر بکر پیر// [...] با مشت رنجبرد و انا ناله های مردم زحمتکش و فقیر// با هه به چنگال دشمنان/ بودند با زیونی یک سپسر// با آن که خفتنه است به یک خانه از ساخته است یک لانه از حصیر// با مردم زندگی به تنگ/ با ملتی که گشته است از

عزیزا... جوینی (۲ آذر ۱۳۹۱- ۲۵ اکتبر ۱۳۰۴) استاد خارسانی دانشگاه تهران بود. او، رهغم زندگی دشوار، هم تحصیلات حوزوی داشت و هم تحصیلات دانشگاهی و پژوهش‌های بنیادین و گران‌قدّری داشت که متأسفانه کمتر شناخته شده اند. بوینی تقریباً تمام عمر خود را صرف تحقیقات در دنیه متون دینی کهن و «شاہنامه» کرد که از نتایج آن می‌توان به تصریح «تفسیر نسفي» و یک ترجمه از «نهنج البلاعه» و «مهمنه تراز همه» - چاپ روزی دست نویس «شاہنامه» کتابخانه فلورانسی در روح یک یک بیت‌های آن اشاره کرد؛ کاری که تقریباً هم‌متاپلود باشیم. این استاد ادبیات‌هم‌گاه شعری سروده است که غزلی در سوگ حسین بحرالعلومی استاد ادبیات، ازان دست است:

ما ببلدان چواز غم گل باخبر شدیم / چندان گریستیم
بی بال و پر شدیم // چون پیر ما به کعبه اقامت نکرد
است / یاران چرا به کوی بستان مستقر شدیم؟ / در هرمهش
زیارت نوا بود و نغمه بود / ای سازها خموش که ما کاور و کا
ددیم // گویند اهل حکمت و دانش بنتیم نیست / پرس
ن نداز کیست که هان بی پدر شدیم؟! / ای شب بد
ز مرا و به کس مگوی / رسواي خاص و عام ز اشک سح
ددیم // طومارهای ذفتر دنیا نوشته‌ایم / پس از چه همچ
ط غباری سمرشدیم؟ / در فرش تمام محبت نوشت
د / عمری بر آن گذشت که ما باخبر شدیم.

مرتضی مطهری (۱۳۹۸-۱۳۵۸) رادیو پیشواست (۱۳۹۸-۱۳۵۸) از هر تعریف و توصیفی بی نیاز است. اما چنین به نظر می رسد که معلومات و تحصیلات او چندان ربطی به ادبیات نداشته است. چه رسد به اینکه او را در راه شاعری انداخته شد. این چنین نیست. برخی حوزه‌یان ما کمتر از هل ادب با شعر محشور نبوده‌اند. نوشته‌های روان خواندنی مطهری هم نشان از آن دارد که او از ادبیات اغافل نبوده است. باری، از این روحانی بنام که خود «فاقد طبع شعر» معرفی کرده است. یک شعر باقی است که او آن را. در سال های پس از خردمندی. ۱۳۴۲ درست کرد. رفاقت امام خمینی و در استقبال از یک شعر دیگر، مروده است:

زمزلگاه آن محبوب یاران را خبر نبود / همی آید به
وش از دور آواز جرس ما را // صبا ز مابریک لحظه
یغامی به روح ... / که ای یاد تو موئیش روز و شب
را این قفس ما را // به رغم کوشش دشمن نخواهد
گسلد هرگز / میان ما و تو پیوند تا باشد نفس ما
// سزاوار توای جان کنج زندان نیست مزلگاه /
مزد گر خون بیارد از دو دیده هر نفس ما را // رواق
ننظر دیده مهیای قدمون تو / کرم فرما و بیندیر از صفا
بن ملتمنس ما را // تمام ملت ایران فکنده چشم
در راهت / به راه عدل و آزادی نه باک از هیچ کس
کارا.

باختوانی

شریف شیرزاد امی گویند هر که ربطی به ادبیات داشته—لاید—چیزی هم از این قسم نوشته است: شعری یا داستانی، خوب یا بد. با این تفاصیل، روشن است که آن که بیشتر با ادبیات درگیر بوده و کشتی گرفته و فراز آن—کسب و کارش در آن و از آن بوده است، بیشتره این وادی کشیده و در این کارپیش ترقه است. با این همه، اغلب، چنین کسی را نویسنده یا شاعر نمی شناسند: اگرچه در دانشگاه ادبیات درس داده باشد و در این راه اسم و رسمی به هم رسانیده و نام و آوازه ای یافته باشد. استاد دانشگاه است که باشد: این چد خلی به نویسنده و شاعری دارد؟ به ویژه شاعری و قوت و قدرت در آن. لزوماً به این چیزها نیست. ولی آن که بنای ساخته ای چیزی منظوم کرده و گوشه ای نوشته است به این چون و چراها نمی اندیشیده است: فوشن. از اینکه خودش را شاعر بنامد. پرهیز داشته است. از این دست اند بسیاری از استادان دانشگاه رفته ادب فارسی که برخی در کارپیوهش بسیار مشهورند. اما این ها شعرهایی هم سروهه اند: بعضی به تفدن و بعضی با جدیت. چنان که احیاناً مجموعه شعری هم بیرون داده اند. گواینکه به چشم کسی نیامده باشند. این هاغزار آن ادبیاً هستند که در دانشگاه درس داده اند. اما خود دانشگاه ندیده بوده اند و نیز استادانی که در شاعری هم شهرتی کمایش. در حد پیوهش داشته اندیا به دست آورده اند: یعنی امثال محمد تقی بهار و محمد رضا شفیعی کدکنی از این دایره خارج اند. اینک چند تن از ایشان:

ANSWER

بود. آن را خلقو کرد. او با طرز تفکر و مهارت های منحصر به فردش در نوشتن، سرانجام، این سبک پایان بندی را ساخت که در نسل های بعدی منتقل شد. ویرگی های پایان بندی به سبک او.

هنری عبارت از ادا:

۱. استفاده از زبان طنز

او. هنری در داستان هایش، معمولاً از زبان طنز استفاده می کند تا اثری زنده خلق کند؛ در عین حال با این کار به خوانندگان اجازه می دهد در فرازند خواندن با زبان او هدایت شوند تا حدس و گمان های به ظاهر پایانی را در آن های جاد کند.

۲. مهارت های روایت منحصر به فرد

در آثار او. هنری، طرح داستان عمدتاً بسیار روان است و تناظرات مستقیم و شدید کمی در آن هادیده می شود. با گذر زمان، داستان، ملایم و گام به گام به سمت پایانی به ظاهر محکوم به شکست و بدون هیچ موجی بیش می رود. امانویستنده در انتهای راهه سوی پایانی کاملاً متفاوت می برد که خوانندگان را شگفت زده می کند.

۳. پایان غیرمنتظره و معقول

او. هنری برای هموار کردن مسیر داستان هایش از تعداد زیادی طرح در ابتداء و سطح کار استفاده می کند تا کار را توسعه بدهد. در پایان، ناگهان جلو طرح قرار می گیرد و پایان معکوس می شود. بنابراین خواننده حساس شگفتی می کند. اما این کار اصلاح گیر منطقی نیست؛ این به اصطلاح پایان غیرمنتظره و معقول است.

اهمیت پایان بندی به سبک او. هنری

او. هنری مردی با تجربه بود و زندگی پر فراز و نشیبی را ز سر گذرانده بود. در گوییچگی ها و چشیدن سختی های زندگی سبب شده بود که مشقت های زندگی مردم را نیز به خوبی بشناسد. بنابراین، او در آنرا خدمت اغراق نمی نمود. این مطابق با آنکه ایشان را در اینجا

به این فهرست ده هنام دیگر هم می شود افزود (که برخی در کار شاعری بر جسته بوده اند)؛ پروز ناتل خانلری و مظاہر صفا و تقی پور نامداریان از این افرادند. خانلری که «ناتل» اصلاح نام ادبی اوست پیش-و شاید بیش-از آنکه با آن آثار بزرگ در زبان شناسی و عروض جلوه گری کند. و به سطوح عالی سیاسی برسد، به شاعری معروف بود. منظومه های عالی «عقاب» یکی از اشعار اوست. مصafa هم، علاوه بر چندین تصحیح مهم، چندین دفتر شعر دارد که برخی مندرجات آن ها مثلاً قصیده «هیچ» - بسیار مشهورند. پور نامداریان هم که در نقد ادبی از بزرگان است، خود، شعرهایی سروده است که برخی از آن ها ضمن مجموعه «رهوان بی برگ» آمده اند.

باری، این سلسله همچنان ادامه دارد؛ امروز هم استادان بسیاری را می شناسیم که - کمابیش - به شاعری هم التفات دارند و به نوعی حلقه واسطه جامعه دانشگاهی و جامعه ادبی به شمار می آیند. در همین دانشگاه فردوسی، محمود فتوحی رودمجعنی (استاد یازنشسته زبان و ادبیات فارسی) - که در حوزه تاریخ ادبیات و بلاغت از برجستگان است - اشعار زیبادی دارد. سید مهدی زرقانی، استاد دیگر این گروه. هم - که به عرفان و شعر معاصر مغفول است - گاهی شعری می سراید و در شبکه های اجتماعی انتشار می دهد. از جووان تراهم و حیدر عیگاگه طرق بهای رامی شود نام برد که هم در عرصه تحقیق خوب است و هم در کار شاعری.

غلامحسین یوسفی (۱۳۶۹-۱۳۰۰) از استادان
برجسته زبان و ادبیات فارسی است
که سال ها در دانشگاه فردوسی
مشهد تدریس کرد و تحقیقات مهمی
انجام داد که برخی تا امروز بی مانند
مانده اند. تصحیح «قابوس نامه»
نصرالمعالی و «گلستان» و «بوستان» از سعدی
جمله این اثارند. او، ضمناً به نقد ادبی، به ویژه
یارسانی شعر، هم اشتغال داشت و در این راه اثاثی
دید آورد که به ویژه از نظر نثر مطبوع و مقبول
ستاده اند؛ چشم روشن: دیداری با شاعران
هم ترین این اثار است. یوسفی گاهی در ترجیمه شعر
نمی دست داشت. با این تفاصیل، روشن است که او این
نویسندگان را بسیار گرامی می پنداشت. «مردم نایپد اکران
بب» یکی از اشعار یوسفی و به شیوه نیمایی است
مشب مراحالی است دیگر/ با اختiran در گفت و گوییم
بی پیامی اورد از سوی یزدان/ هر پرتوی کر آسمان
د به سویم// گیتی فروخفته است در دامان مهتاب
نانه ای نه بانگ مرغی نه صدایی/ نه کوچه گرد
ده نوشی/ نه نعمه ای نه هی هی مستانه ای نه
نم نواسی/ نه رهگذاری/ نه گاهگاهی محو و مبهی
دار کوئی/ آواز پایی// در این سکوت محض/ د
من فروغ پاک/ در دشت نایپد اکران شب/ گویی
مداد را/ چون نوشخند اختiran با خویش بینم
بون عمر شب تا صبح عمر ما شود طی/ تنها خد
پایینده و از هرچه دانم، بیش بینم» (مشهد
نمایم ۱۳۵۵).

عبدالحسین زیرین کوب (۱۳۹۵-۱۳۷۸) اسفنده ۱۳۴۳

عبدالحسین زیرین کوب، در فهرست پژوهشگران عرصه ادبیات، جزء بالانشین هاست و آثاری دارد که حتی عامه ادب دوستان هم با آن ها آشنایند؛ «بهر در کوزه»، «پله پله تا ملاقات خدا» و «سرنی» تهها بخشی از نوشته های تحقیقی این استاد نامدار ادبیات اند. ضمناً، نوشته های متعدد و گران بهایی در رابطه تاریخ و تصوف هم از خود بر جای گذاشته است. با وجود این، زین کوب، در کتاب تحقیقات پرشمار، اشعاری نیز سروده است که خالی از لطفی نیستند. برخی از این اشعار عبارت اند از «اندوه جوانی» و «سیمرغ» و «در راه بارگشت» (که گویا آخرین سروده اوست). اینجا، بعض هایی از شعر شورانگیز «عصیان» را می خوانید:

دانی اگر دست دهد چون کنم؟ / زی فلک آهنگ شبیخون کنم // شیشه رنگین فلک بشکنم / تاسراز این پنجه بیرون کنم / بدرم این پرده نیلوفری / ره به سرابرده بیچون کنم // سرد کنم کوره خورشید را / اخاک براین تافتہ کانون کنم / تیره کنم چشممه مهتاب را / دود در آن چشم پرافسون کنم // تانگراید به ستم جان خلق / در قدرح کیوان افیون کنم // تابنیالایدaman به ننگ / پیرهん زرهه به صابون کنم // دشننه جادوبی مریخ را / در دل ظلمت ها مادمفون کنم // [...] کاوم زیروزبرآسمان / سرزین کارش بیرون کنم // راز جهان را به کف آرم کلید / فاش همه رازش ایدون کنم (مشهد، مدادگار ۱۳۲۲)

احمدعلی رجایی بخارایی در مشهد به دنیا آمد و بیشتر همین جا درس خواند و همینجا درس داد. او، طی عمر نه چندان بلند خود، کارهای اجرایی و پژوهشی فراوان و البته چشمگیری انجام داد. مهم ترین کار رجایی شاید ریاست دانشکده دانشگاه فردوسی و بنیان نهادن مجله این دانشکده در آن ایام باشد. اما امروز پژوهش های او شکوه و جلوه افزون تری دارد؛ از این جمله اند «فرهنگ اشعار حافظ» و «فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس» و «لهجه بخارایی». با این همه، این استاد بزرگ گاهی هم شعری می سرود که مطابق انتظار در لفظ استوار و در معنی خوشایند بود. یکی از این اشعار قصیده ای است در سوگ بدیع الزمان فروزانفر:

ای نادره مردان که سخن را امرازید / از چیست که چون گل همگی دیر نپایید؟ // چون شبنم صحید به کلبرگ جهان بر / لختی بنیاسوده روان سوی سمایید // بر سان درخشید در این گیتی و نشگفت / یک لحظه فرون گر رخ روشن ننمایید // موجید از افق طرفت و بر ساحل امکان / نآمده زی بحر ابد بارگاراید // یا طائر قدسید به کج قفس خاک / روزی دو- سه مانید و سپس بال گشایید // خود آب حیاتید به ظلمت کده اندر / گستاخ بنداند که هر درد دوازید // گر خلق جهان بر هنر و فضل ببالند / حقا که شما مایه بالیدن مایید // ور سربه جاماندن هر ملک زبان است / ایران کد، ا... به تقی: سی تقاید».

اگر می خواهیم این مسایل را در مدرسه می خواهیم درس داد، و میری از پایان های غیرمنظره برای برانگیختن تفکر خوانندگان درباره طبیعت انسان بهره می برد. نتایج طرح ها، غیرمنظره، اما معقول و مطباق با واقعیت زندگی است؛ درنتیجه جذابیتی منحصر به فرد انجاد می کند و می توان گفت تأثیر آن بر ادبیات پس از خودش بسیار اساسی است.

از نظر مهارت های نوشتاری، می توان گفت که آثار ادبی با پایان بندی به سبک او، هنری بر تعداد زیادی از آفریده های ادبی بریتانیایی و امریکایی نسل های بعدی تأثیر گذاشته است؛ به ویژه در دوران انقلاب صنعتی دوم، آثار زیادی از این دست تولید شد که با انتقاد از منفعت طلبی زیاد جامعه به پایان می رسید و اندیشه های آثار انتقادی واقع گرایانه را به انسان گرا (اومنیسم) و فلسفه تعالی بخشید. در آن زمان، ادبیات انتقادی در بریتانیا و امریکا بسیار تندد و خشن بود و نویسندها غالباً مستقیم و تندد به جامعه خود حمله می کردند. آن ها سخنان انتقادی خود را پنهان نکردند، به این امید که نقد شان از بی عدالتی اجتماعی را فریاد بزنند. با این حال، این نوع انتقاد برای توسعه ادبیات مناسب نیست و تنها به درگیری های بیشتری دامن می زند. در عین آنکه آثاری از این دست، بیشتر نقد هایی عاد لاهه اند، نویسندها آن ها نگفته اند که چه باید کرد. انتقاد با پایان بندی به سبک او، هنری اما متفاوت است. زیرا نه تنها نقد بلکه دکترین حقوق بشر را نیز در نقد و طنز آشکار می کند؛ به عنوان مثال، داستان «هدیه کریسمس» در عین اینکه تلاشی است برای انتقاد از وضعیت جامعه - آن هم با طنز تلح - فداکاری های زوجی به نام «دلای» و «جیم» را هم نشان می دهد که داستان را به اثری سرشار از عشق و ستایش از عشقی زیبا تبدیل می کند.

پایان بندی به سبک او، هنری همواره در دنیای ادبی مشمول تحسین قرار گرفته است و نویسندها بسیاری از آن الگو

منحصر به فرد است و به این ترتیب به روشنی کلاسیک برای خلق داستان کوتاه تبدیل شده است. این سبک حتی بیش از یک مهارت در نویسنده‌گی است و دارای اهمیت ایدئولوژیک هم است. پایان بندی به سبک او، هنری یکی از مضمونی هنرمندانه زندگی در جامعه‌ای خاص است. این سبک می‌تواند خوانندگان را به شدت جذب کند، دلبلستگی به رمان و ماهیت فلسفی آن را ارتقا دهد، به تمامی اثرافسونی منحصر به فرد بیخشند، و خوانندگان را برانگیرید و الهام بخش آنان باشد تا تغییرموضع بدهن و عمیقاً درباره زندگی خود فکر کنند.

پایان رقابت فیلم‌های کوتاه در سرزمین خورشید

گزارش
روز

مرتضی امین الرعایا بی از نیشاپور شد و عنوان بهترین مجموعه عکس به محسن کابلی از گرگان تعلق گرفت. در بخش بعدی این مراسم، مدرک دانش آموختگی انجمن سینمای جوان به نسرین شاه محمدی، میترا حیدر زاده و حمید رضا گلani فری اهدا شد. در بخش بهترین فیلم با موضوع کارآفرینان و صنایع خلاق لوح افتخار به محسن شهریاری برای مستند «خل های مردانه» از اصفهان تعلق گرفت. جایزه ویژه سردار سلیمانی از آن نعمت... سرگلایرانی برای مستند «مادر» از مشهد شد. در بخش بهترین پژوهش در فیلم مستند، جایزه به محسن شیرازی ای برا مستند «بارگشت به لوگ» از اهدادان اختصاص پیدا کرد. همچنین لوح افتخار به مستند «تیمو»، ساخته رضوان بوستانی از کرمان تعلق گرفت. جایزه بهترین صدا به فیلم «خانه ما» از دگر «مدرسه آنالوگ» از برجند رسید. جایزه بهترین تدوین هم از آن «مدرسه آنالوگ» شد. هیئت داوران جایزه بهترین فیلم پردازی را به فیلم «تایلندی» از کرمان اهدا کردند. لوح افتخار بهترین استعداد جوان به محمد گراآوند برای فیلم «نشش کش» از قم رسید. جایزه بهترین فیلم «خانه ما» تأثیفی از آن حمید رضا مقصودی برای فیلم «خانه ما» از دگر شد. هیئت داوران از سازمان تجفیف برای بازی در فیلم «حدود سیزده کیلوگرم» از کاشان تقديری لوح افتخار خود را به دو بازیگر فیلم داشتاری «تایلندی» از کرمان اهدا کرد. در ادامه چهار جایزه مهم جشنواره اهدا شد که جایزه بهترین پویانمایی به فرزانه قبادی از سمنان برای «همنشین آبی»، جایزه بهترین مستند به محسن شیرازی از زاهدان برای «بارگشت به لوگ»، جایزه بهترین کارگردانی فیلم کوتاه داشتاری به مهدی بزرگی از کاشان برای فیلم «حدود سیزده کیلوگرم» و تندیس جشنواره و عنوان بهترین فیلم به «خانه ما» ساخته حمید رضا مقصودی داغداری از دگر رسید. این چهار اثر به صورت مستقيمه به چهل و یكمين جشنواره فیلم کوتاه تهران راه پیدا کردند. در بخش تجریبي، هیئت داوران هیچ اثری را برای حضور در جشنواره فیلم کوتاه تهران هیچ نکرد؛ اما دنیاپل فیلم «رگ» رسید. همچنین جایزه ویژه هیئت داوران برای فیلم «رگ» رسید. همچنین جایزه ویژه هیئت داوران به فیلم های «تایلندی» و «هلووس» اهدا شد.

ما تمام تلاشمان را کردیم که از شهرستان ها حمایت کنیم؛ همچنین مراسم ها و آیین هایی مختص استان ها راه اندازی کردیم که یکی از آن ها مراسم مهر سینمایی ایران با هدف تشویق و ترغیب فیلم سازان استانی بود. رئیس سازمان سینمایی یادآور شد: مارانجام دو کار ناموفق بودیم؛ اول اینکه تنوانتیم تقسیم بندي کشور به شش منطقه سینمایی را انجام دهیم. این برنامه باشهادت آیت... رئیسی متوقف شد؛ چون باید دولت جدید مستقر و سیاست جدید ابلاغ می شد. برنامه دیگر ناموفق ما ایجاد انجمن ملی سینمای ایران دراستان ها بود. ما فکر می کردیم باید تشکلی دراستان ها به وجود بیاید تا هرمندان مستعد را شناسایی و به صورت مستقل اعضا و صنوفش را سازمان دهی کند.

● **تجلیل از فیلم ساز پیشکسوت مشهدی**

یکی از بخش های دیگر مراسم به تجلیل از جواد علیزاده، نویسنده و کارگردان پیشکسوت مشهدی و پخش مستندی از او با عنوان «کوچه کیوان پلاک ۷» اختصاص داشت. علیزاده در این بخش گفت: من سی سال خدمت کردم و از خدامی خواهمنی سال دیگر به من فرست دهد تا به این عاشقان سینما و جوانان خدمت کنم. «در کارنامه کاری این هنرمند، ساخت تله فیلم های «تبسم گرگ» و «سفر شهراب»، فیلم نیمه بلند استانی «الیزابت»، سریال داشتاری بیست و شش قسمتی «بچه های لگلایاد»، سریال سیزده قسمتی مستند داشتاری «الماس ها ماندگارند» و چندین فیلم کوتاه و مستند دیده می شود. او همچنین مدیر برنامه ریزی فیلم های سینمایی «اشنوگل» و «مدیترانه» و دستیار کارگردان در فیلم های «مردی شبیه باران» و «شهراب» بوده است.

● **برگزیدگان شناخته شدند**

در این مراسم برگزیدگان دو بخش فیلم و عکس معروف شدند. لوح تقديری بخش تک عکس به محسن روشن روان از کاشان تعلق گرفت. در این بخش مریم ابوالحسینی پور از شاهروド رتبه سوم، محمد رضایی از ساری رتبه دوم و هادی دهقان پور از سبزوار رتبه اول را کسب کردند. در بخش مجموعه عکس لوح تقدير از آن همچنین ما دریافت مجوز برای تهیه کنندگان استانی را تسهیل کردیم؛ به این ترتیب بخش تک عکس که بخواهد فیلمی را با کارگردانی استانی بسازد، می تواند مجوز تهیه کنندگی استانی دریافت کند.

هزاعی در ادامه بالشاره به قراردادهایی که سازمان سینمایی با مدیریکل استان ها امضا کرده است، گفت:

یان واقعیت بوده است. اما آن قدر توانایی ندارد
که همه واقعیت را ثبت کند.
فتومونتاز سعی می کند با استفاده از المان های
واقعی، جهان دیگری را خلق و ثبت کند. این جهان
در طول تاریخ عکاسی شکل های متفاوت تری به
خودش گرفته است. این هنرمند با اشاره به اینکه در
عکاسی فنومونتاز راحت تر می توانیم به جهان تخیل
خود وارد شویم، روان کاوی در فنومونتاز رام طرح و
بیان کرد: فروید، روان کاو اتریشی، تخیل رابه یک
خواب روزانه نیمه هشیار تشییه می کند، چیزی که
می تواند هم از ناخودآگاه و هم از خودآگاه مایه
بگیرد. از دیدگاه این روان کاو بخش بزرگ از اتفاقاتی
که در طول زندگی مارخ می دهد. در ناخودآگاه ما
به شکل سیکوب می شود.

داستان سرایی یا خیال پردازی است که ع^۱ فتومونتاژ یا تصویرگر روی آن کار می‌کردند. اوابیان اینکه سه دوره تاریخی در فتومونتاژ دارد، بیان کرد. نخست، دوره قبل از سال ۹۰۰ که به عنوان عکاسان پیکتوریالیسم آغاز شد، دادائیسم، دوم، بعد از سال ۱۹۰۰ است یعنی فتومونتاژ را در این سه دوره تاریخی ایجاد کردند. بلکه سعی می‌کردند از جنگ انتقاد کنند. قربان زاده معتقد است: «فتومونتاژ چیزی و رای عکاسی نیست، زیرا تا حاضر، که مرتفعند و قدیم، آن، ادادا، به موضعیت گردد، از آن، زمان مفهومی بوده، بحث ند ثبت می‌کردند. انگل غیرهنری بودن زده بار روی کارآمدن عکاس های تصویرگر اکه آن ها را ذهنیت گرامی گذاشتم. کسانی که سعی ند ذهنیت خودشان را به تصویر بکشند، زیاد واقعیت در عکاسی نبودند.

۱ مترجم و مؤلف دو کتاب «تکنیک های تاترا»، «عکاسی و روان کاوی» است. استفاده از چاپ های ترکیبی را پایه اولیه عکاسی فتومونتاژ ت و در این باره توضیح داد: چاپ هایی در آن استفاده از شیشه های «کلودیون» یا خیس چندین نوع از عکس ها ترکیب می شدند که ت کار سختی بوده است. قربان زاده گفت: «موضعیات که از آن، زمان مفهومی بوده، بحث

نشست «تخیل در فتومونتاژ» در سومین روز از
شصت و نهمین جشنواره سینمای جوان کشور
در مشهد برگزار شد. در این نشست که با حضور صمد
قربان زاده، عکاس، فیلم ساز و مدرس رشته عکاسی،
برگزار شد، با تعریف کلی فتومونتاژ، آثار هنرمندان در
دوران مختلف بررسی شد.
صد مردم قربان زاده در این نشست با بیان اینکه از
فتومونتاژ در سیاری از کتاب‌ها به عنوان تکیک
عکاسی و در برخی دیگر اثر عکاسی یاد می‌شود.
گفت: اگر بگوییم اولین جرقه عکاسی در سال ۱۸۲۵ یا
۱۸۲۶ میلادی خورد است. عکاسی فتومونتاژ یا
شاخه‌های تکیی از سال ۱۸۵۰ به بعد اتفاق می‌افتد
و قدمت زیبادی دارد. در آن دوران به دلیل هم زمانی
با ظلمه، نقاشان، امیر سنه نسبت، به عکاسان، که

نک حما، حرف شکن هند مندانه



تعریفی که من از عکاسی دارم، این است که نمی خواهم برای دیگران کار کنم. بلکه تمایل دارم آن لذت شخصی را به خودم بدهد. همه سعی من براین بود که دیدگاه شخصی خودم را رائمه دهم و این گونه می توانم بگوییم مخاطب عکس ها خودم هستم.

خدابنده افروز: «بیگانه خو» اولین نمایشگاه انفرادی من است که در مشهد برگزار می کنم. بازخورد خوبی از مردم این شهر در ریافت کردم و متوجه شدم برخلاف تصویر بقیه همکارانم که معتقدند کار من بسیار فلسفی است. افراد زیادی کار مرا می فهمند و ارتباط خوبی با آن برقرار می کنند. به دلیل اینکه «بیگانه خو» اولین نمایشگاه من است، دوست داشتم انتقاد پیشتری به آثار وارد شود. اما بازخورد

ضعف هنر عکاسی، نحوه معرفی کارهاست

خدا بینده موضوع کمتر دیده شده در عکاسی را نحوه معرفی کارها بیان کرد و در ادامه گفت: عکس های موجود در نمایشگاه ها و رویدادهای هنری اندازه های مشخصی دارند و به جرئت می توانم بگویم بسیاری از عکاسان، آثارشان را در اندازه A3 چاپ می کنند و از چهارچوب قاب نیز خارج نمی شوند. من این کار را انجام ندادم و طبق جزئیاتی که داخل عکس هایم بود. اندازه کارهارا متفاوت انتخاب کردم. کوچک ترین اثرم در این نمایشگاه 5×5 در 4×4 بزرگ ترین آن نیز 13×13 در 8×8 است. استفاده از چوب در بالا و پایین قاب ها، انعطاف پذیری آن را نشان می دهد و در معرفی کار دست مرا بازمی گذاشت تا آن را هرجایی که تمایل دارم. ارائه دهنده: عکس را که چیز ببرم، از دیوار آویزان کنم یا روی زمین بگذارم. این ها همه جزئی از عکاسی است و این هنر فقط محدود به عکس گرفتن و صدای شاتر دوربین نیست. این هنرمندان عکاس در پایان افروزد. همه این مجموعه بر سر یک بازی اتفاق افتاد، من به هنر نجاری و صحافی علاقه داشتم و دوست داشتم با وایتکس روی کارهایم رنگ پاشم و عکس را دفرمه کنم که همه این کارها انجام دادم. من این اصول را با هفت سال مطالعه می شناختم و تجربه کسب کردم. اما در نهایت همه را نادیده گرفتم و خودم را در یک بازی رها کردم.

© 2024 All rights reserved. This material may not be reproduced without the express written consent of the author.

گزارشی از نمایشگاه انفرادی «بیگانه خو» از آثار عکس محمد جواد خدابنده در گالری «هنگام»

یہ پھر پڑب سندی سرسری

A photograph of a young man with dark, curly hair and a well-groomed mustache. He is wearing a dark, button-down shirt and is standing in front of a painting of a landscape with mountains and water. The painting is mounted on a white wall.

A photograph showing a person from the waist up, wearing a yellow and black plaid shirt over a light-colored t-shirt. A necklace with a small pendant hangs around their neck. They are standing to the left of a large, shallow, circular container filled with a dark, granular substance, possibly coffee beans or a similar material. The background is plain and light-colored.

A photograph showing a person from the waist up, wearing a plaid shirt over a light-colored t-shirt. Their hands are clasped in front of them. The background is plain white.

در این عکس‌ها، هم ظاهر و هم باطن را دیدم. در بیشتر آن‌ها پرتره کارکردم و می‌خواستم به هردو مبحث جسم و روح با یکدیگر بپردازم. اما درنهایت همه این‌ها را نادیده بگیرم که به نظرم نتیجه آن در بزرگ‌ترین عکس‌نمای خودم در یک جنگل تنها و منزوی دیده‌می‌شوم، مشهود است. نام این نمایشگاه در ابتدای «بیگانه خو با خویشتن» بود که آن را خلاصه و «بیگانه خو» را انتخاب کردم تا کلی تر باشد و به مخاطب خط فکری ندهد.

این هنرمند عکاسی را هنری بسیار وسیع دانست که سبک‌ها و ژانرهای زیادی دارد. او در این باره بیان کرد: وقتی با برخی هنرمندانها صحبت می‌کردم، سؤالاتی مبنی بر تکنیک کار من و نحوه انجام آن یعنی در استودیو و انجام ندادن کار مستند از من می‌پرسیدند.

ریحانه موسوی
نمایشگاه انفرادی عکس «بیگانه خو». مجموعه ای از آثار محمد جواد خدابنده. این روزها در نگارخانه «هنگام» در حواله برج‌واری است. در این نمایشگاه ۲۱ هزار قاب که تلفیقی از تکیک های مختلف مانند عکاسی فتومنتاژ، عکاسی دیجیتال، موبایلی و آنالوگ است. وجود دارین نمایشگاه عکس هایی با تکیک های متفاوت و در اندازه های مختلف به شکل های متنوعی روی دیوار نصب شده اند؛ برخی از آن ها به صورت عمودی و برخی افقی هستند و تعدادی نیز در گنج دیوار جا خوش کرده اند. هیچ کدام از این آثار قاب ندارند و فقط دو تکه پوپ در بالا و پایین یا چپ و راست به آن ها متصل شده است که به گفته خالق آثار، دلیل این

亨برای مردم

محمد جواد خدابنده. هنرمند عکاس اهل قوهان که در حال برگزاری اولین نمایشگاه افرادی اش در مشهد است. درباره آن بیان کرد: «۲۱ کار اصلی و ۴۰ سخه کتابچه‌هستی (آرتیست بوک) با تکنیک‌های مختلف در این نمایشگاه وجود دارد که اندازه‌های آن‌ها متفاوت است و به صورت‌های مختلف عمودی وافقی روی دیوار جانمای شده‌اند. وی ازروز، من فیلتر فتومونتاز سیاه و سفیدی که تمایل داشتم به کارهایم دادم که در این اندازه‌هایم آثارشنبیه به هم هستند و تشخیص داده نمی‌شود. در بعضی آثار از نقاشی دیجیتال استفاده کرده‌ام و برای رنگ پاشی از تکنیک آرتیستی بوک هایان کرد. این آثار همان عکس‌های اصلی هستند. فقط چاپ آن ها متفاوت است. کارهای دیواری، روی کاغذ لاستر با دستگاه اپسون لیزری و آرتیست بوک‌ها با لاتر چاپ شده‌اند و به گونه‌ای هستند که می‌توان روی آن نوشت و کاربردی تر است. آرتیست بوک‌های دلیل به مجموعه اضافه شدند که هنری برای مردم باشند و به شکل بازل و حمل شونده و کاربردی است. یعنی روی دفترچه‌ها می‌توان نوشت، طراحی کرد و قیمت آن‌ها

مخاطبان طلایی

پرده نقره‌ای باشیم

پیشنهادهایی برای قرار گرفتن بلیت سینما در بسته تفریحی خانواده‌ها

آمارهای سینمایی



۶۰۰۰ صندلی

تنهای در مشهد نزدیک به ۶ هزار صندلی سینما در اختیار علاقه مندان است. پر دیس سینمایی اطلس با دوازده سالن و هزار و ۵۸ صندلی. پر دیس سینمایی گلشن با چهار سالن و ۳۴ صندلی. پر دیس سینمایی با پنج سالن و هزار و ۴۰ صندلی. سینما آفریقا با هشت سالن و هزار و ۱۳ صندلی. پر دیس سینمایی با هشت سالن و ۹۴ صندلی. پر دیس سینمایی بری باش سالن و ۲۶ صندلی. پر دیس پارک بازار باش سالن و ۷۷۸ صندلی فعالیت دارد. همچنین سینمای گناباد با یک سالن و ۳۴ صندلی و سینمای نیشابور با چهار سالن و ۲۸۰ صندلی فعال است.



۱۰ سینما و پر دیس

اکنون ۱۰ سینما، مجموعه و پر دیس سینمایی در مشهد فعال اند و یک سینما در شاندیز و سینمادار گلبهار هم در حال ساخت هستند.



۴۶۰ نفر، یک صندلی

با این همه هنوز در استانمان به ازای هر ۴۶۰ نفریک صندلی در سینماداریم.

۹۱۷,۳۳۲,۶۱۰ ریال

مبلغ کل فروش بلیت در سینمایی استان از ابتدای امسال تا حله تظییم این ۹۱۷,۳۳۲,۶۱۰ میلیارد و ۳۲۲ میلیون و ۶۱ هزار ریال بوده است.



۵۱,۷۹۰ سیاست

تعداد سیاست‌های به نمایش درآمده در سینمایی استان تا لحظه تظییم این گزارش ۵۱ هزار و ۹۰ سیاست بوده که موارد بدون فروش محاسبه نشده است.



۱۴

ردیبندی سینما فیلم‌ها

در این سال های نیمیشنهای سینمایی خوبی ساخته شده است که کودکان و نوجوانان بسیار مخاطب آن ها بوده اند. ولی پرده سینما به فراخور نیاز مخاطبان خود به طور معمول میزبان فیلم‌های با موضوع های تاریخ اجتماعی، تور جنگ، بمب گذاری، خرابکاری و... هم می‌شود. بنا بر این حضور کودکان در سالن سینمایی توانند خوشحال کننده بانگران کننده باشد. از این رویکی از جنبه‌های مهم سینما فقط، در نظر گرفتن گروه سینی فرادی است که می‌خواهد بان هافیلم تماشا کنند. اگر کودک و نوجوانی دارد بپتر است گاهی فیلم ها را بر اساس بیان و آنقدر انتخاب کنید تا هم مخاطب فیلم‌های مناسب سنتش باشد و هم فرهنگ سینما به عنوان تفریح و سرگرمی برآش نهاده بشهود فراموش نکنید که کودکان به انداده بزرگ سالان صبر و تحمل نشستن طولانی روی صندلی های سالن سینما را ندارند. همچنین بیشتر وقت هادر طول تماسای فیلم نیاز به رسیدن بهداشتی دارد و وقت و آمد آن ها ممکن است ارآمد تماشاگران را برهم بزند. در چنین شرایطی اگر فیلم مناسب سن و سلیقه شان هم نیاشد اوضاع بدترمی شود.



حرکت فرهنگی

شاید این روزها که در خانه هر کدام از ما یک تلویزیون هوشمند بزرگ وجود دارد برای برخی سینما رفتن توجهی نداشته باشد. به ویژه اینکه شبکه‌های نمایش خانگی هم گسترش زیادی پیدا کرده اند و برای هرسیلیقه و گروه سینی، پیشنهادهای نمایشی متعدد دارند. به همین دلیل و به احتمال زیاد از برخی افراد طراف خود شنیده اینکه گفته اند وقایی می‌توان یک سیاست از سینمای ایران را در خانه اورد و خیلی راحت روی کاناپه، جلو نمایشگر بزرگ خانگی درگذشید و تجربه شکست. دیگر وقت گذاشتن برای رفتن به سینما و پول دادن به بلیت این نمی‌گذرد. برخی واقعیت این صورت نیست. سینما، یک مکان فرهنگی است و استقبال از آن هم یک حرکت فرهنگی محسوب شود و قدری در یک سالن سینمایی، فیلم‌های مخاطبان به نمایش درمی‌آید همه افراد مقابله پرده نقره‌ای تجربه ای متشکر به دست می‌آورند. رویارویی با واکنش دیگر مخاطبان نسبت به فیلم، اشنازی با دیدگاه های مختلف و در معرض هنجارهای فرهنگی قرار گرفت. تجربه هایی می‌سازد که به ندرت این تجربه ها در خانه و در جم خانواده و دوستان به دست می‌آید. البته واضح است که برخی که دلیل فراغای غیر فرهنگی که به طور معمول در محیط های اجتماعی با آن روبرو شویں خانه را به سالن تاریک سینما ترجیح می‌دهند. ولی از طرفی افزایش سعادت و تجربه فرهنگی هم قدر در فضای سینما اتفاق افتد. در ادامه توصیه های کاربردی و پیشنهادهای مختلفی برای اشتباهی پیشتر با سینماداریم.

سینمای مخصوص کودکان

چند سالی است با توجه بیشتر به سالن های سینمایی و در نظر گرفتن نیاز همه مخاطبان، تغییرات

مشبی در سالن های اعمال شده است. از جمله مناسب سازی سالن های برای کودکان. در این سالن های سینمایی همکاری های این سالن های طراحی شده است و در اول فاصله مناسبی بر پرده نمایش فیلم هایی که در سینما های مختلف این سالن های نمایش در می‌آید. این تغییرات و همراه با جنبه های آموزشی و تربیتی فراوانی برای کودکان که می‌توانند در آن روزهای روزی که مخصوص کودکان می‌توانند فضای خانه مقابله پرده سینما دراز بگشند و فیلم تماشا کنند.



سینما، پیشنهاد تفریحی برای همه

مرسوم است در اداره همازمان هاشرکت ها و به طور کلی محیط های کاری مختلف با توجه به شرایطی که برای آن مجموعه فراهم است، بین های تخفیف مختلفی به کارگران عرضه شود. برای جان ادراخن فرهنگ تماشای فیلم در سینمایی توان بخشی از این تخفیف ها را بلیت سینما در نظر گرفت. همچنین گاهی در برنامه های فرهنگی مدرسه ها و مسجد های تو ان جایزه را پرده یک فیلم سینمایی مناسب با جامعه هدف در نظر گرفت. جدای از بین تخفیف و جایزه که روش مناسبی برای فرهنگ سازی هم هستند، مناسبت هایی در سال و چهارده روزه ای در نظر گرفته می‌توان در آن روزهای روزی حضور بیشتر در سینما و بهره مندی از فیلم های به نمایش درآمده بر نامه رزی کرد. برای نمونه یک روز در سال به مناسب روز جهانی سینما نمایش همه فیلم ها را بگان است.

سینما شاهیان تعداد مخاطبان سینما ها در استانمان از ابتدای امسال تا لحظه تنظیم این گزارش به عدد یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر هم نمی رسد. این آمار از تماشای سینما برای استان بزرگ مانند سینما های بازسازی که پر دیس سینما های سینمایی بیشتری هم در شهرمان متولد شده اند. پر دیس های سینمایی اطلس و پلازا توریست گلشن، بری و ملل از جمله مجموعه هایی هستند که سطح دسترسی ساکنان مناطق مختلف مشهد را به سینما تسلیم کرده اند و هم دارای امکاناتی هستند که شهروندان مشهدی آن ها را در این پر دیس های تجربه می‌کنند. اما جه موضع یا موضوعات مهمی سبب شده تاهم استانی های مادر فرست ها و تعطیلی های مادر فرست ها مختلف کمتر تماشای فیلم در سالن های سینما را به رفتنهایی ترجیح بدند؟ گاهی رعایت نکردن آداب سینما را سوی برخی تماشایان، عامل بازدارنده است. ولی بیشتر آن تقریب ندانستن سینماست که قصد داریم به مناسب روز ملی سینمایی پیش از آن هم نگاهی به چند عدد در قسم سینمایی داریم.



سه شنبه‌های سینمایی

۲۰,۰۰۰ تومان	۸۰,۰۰۰ تومان
قیمت بلیت سینما در ساعت های شلوغ ورزشی پنجه شنبه و گمیشنه بازی های شلوغ ورزشی پنجه شنبه و گمیشنه و مجموعه در پر دیس های سینما سینمایی تأسفه هزار تومان و در سینما های ممتاز تأسفه هزار تومان در ماه چند ساعتی را به سینما رفتار مخصوص داد.	قیمت بلیت سینما در ساعت های شلوغ ورزشی پنجه شنبه و گمیشنه و مجموعه در پر دیس های سینما سینمایی تأسفه هزار تومان و در سینما های ممتاز تأسفه هزار تومان است.

آداب سینما رفتن

زمان حضور در سالن	پیش از رفتن به سینما
شماره صندلی تان را برأی و تصمیم خود تغییر ندهید. گاهی یک صندلی جایه جایی، نظم ردیف را به کلی برهم می‌زنند.	هر چند دوره بحران کرونا تمام شده است و قانون نشستن روی صندلی های یک صندلی خود را می‌گیرند. همچنین خود را می‌گیرند و عصمه کشیدند. در سالن سینمایی تأسفه هزار تومان را برأی و صحبت در باره بازیگران، نوع بازی شان و دیدگاه هایی که نسبت به فیلم دارید خود را دارند.
زمان پخش فیلم از پیچ پچ کردن و خود را می‌گیرند.	وقتی بیمار مستبدی یا شاهه های کوچکی از تب با سرمه خوردگی دارید به سینما رفته وید.
دانستن فیلم را کارگری دانید یا در باره اخوان دیده اید. برای بغل دستی هایتان تعزیز نکنید.	برای اینکه رفت و آمد شمام را سیرا فراز داشت که ادیقیه پیش از شروع فیلم در سینما حاضر باشد.
هرگز از فیلمی پیش از شروع فیلم در سینما حاضر باشید.	کیمی تماشای برقی های این سالن هایی که می‌گردند کوشی پیره زید.
چین تماشای فیلم از پیچ پچ کردن و خود را می‌گیرند.	تماشای برقی هایی که می‌گردند کوشی پیره زید.
برخی غیر ارادی دارید برقی هایی که می‌گردند و خود را می‌گیرند.	از محدودیت های فیلم از سالن خارج شوید.
در زمان خرید بلیت، صندلی های وسط ردیف هارا ززو مردی باشید یا به سینما رفته وید.	برخی غیر ارادی دارد از این فیلم را بازیگران دیده اید. اگرچنین عادتی دارید که اگر گروهی به سینما رفته وید، در زمان نشستن، صندلی های از اطرافی انتخاب کنید که افراد از بین دیگران در کنار هم اسماس را حاصل کنند.

پس از پایان نمایش فیلم

- شروع تبازی پایانی را فرستی برای خارج شدن از سالن ندانید. زیرا بارف و آمد تان مراحم کسانی که مایل اند نام عامل فیلم را بخوانند. می شود.
- اگر با خود روش خصی به سینمایی روید آن را در محلی امن پارک کنید. در انتخاب محل پارک هم اسماش دیگران را در نظر بگیرید.
- پس از پایان فیلم برای خارج شدن از سالن، عجله نکنید و جمعیت را هار دارید.
- اگر خوارکی مصرف کرده اید، بسته بندی و ظرف های آن را در سالن رها نکنید و آن ها را در سطح زباله بیندازید.
- برای گیب زدن با همراهان تان مقابل در خروجی سالن تجمع نکنید تا مراحم دیگران نشوید.

اقیانوسی از ایمان و ایده

یادی از مرحوم دکتر علی محمد برادران رفیعی، از مدیران اثرگذار در آستان قدس رضوی که ۱۳۹۸ آشهریور ۱۳۹۸ از دنیا رفت

یکم/دانشگاه سورین
 خانم پیلات، استاد زبان فرانسه دوره لیسانس.
 دست‌گذاشته بود روی اسم برادران رفیعی. او
 همانی بود که می‌شد روی رفتش به فرانسه.
 سرمایه‌گذاری کرد. جوان بی‌قرای بود. همین‌که
 تا پایان مقطع دیپرستان، زبان آلمانی و عربی
 را یادگرفته بود و حالا با دیپلم فارسی
 آمده بود رشته زبان فرانسه. یعنی طرفیت
 داشت. نک بعدی بی‌انگیزه نیست.
 از آن هاست که اگر پایش به فرنگ باز شود، نه
 فقط سرگرم رشته بورسیه تحصیلی که به ابعاد مختلف فرهنگی
 آن مملکت دقیق می‌شود.

دوم/دانشگاه مشهد
 خانم پیلات، استاد زبان فرانسه دوره لیسانس.
 فارغ التحصیل رشته روان شناسی در مقطع دکتری بود. حالا باید
 با مرگ، که از غصه کارهای ناتمامش، زانوی غم به بغل گرفت.
 مشهد معادل سازی کند. رئیس دانشگاه که عوض شد، گفتند بیا
 برای تدریس، پیشکشوت ها. پیش بای اسناخت‌گاران در جلسات
 حاضر می‌شد و پس از فرض حاضرمان از اتفاق خارج می‌شد.
 آن شنونده صبور و خوش روح که در پایر آرای گوناگون. چنین به
 پیشانی اش نمی‌افتاد. حالا باید من نشست دست روی دست
 می‌گذاشت تا بینند تقیی چه خوبی بایش دیده است. وقتی
 رفت روی طافچه خانه قدیمی اش، تصویری از اوتوی قاب
 نشست که سال ها پیش توی یکی از سالنامه ها چاپ شده
 بود. تصویری آشنا که تمام عمر، همسرش او را آن شما می‌باشد.
 نهادن روزی طافچه خانه قدیمی اش، تصویری از اوتوی قاب
 روزه بیشتر می‌گذاشت. پیش بیهیم طور که دانشگاه روان شناسی
 علوم تربیتی از دانشکده ادبیات جدا شد. او هم دیگر سری
 نوی سرمه‌دار وارد شد.

همه چیز داشت از راه روزهای اوج فعالیت‌های علمی اش
 نزدیک می‌گردید که انقلاب فرهنگی. دانشگاه‌ها را به تعطیلی
 کشاند. حالا استاد برادران رفیعی، عین جویباری باریک
 و روان. از دانشگاه به سمت مجموعه آستان قدس
 جاری می‌شد.

سوم/آستان قدس رضوی
 بینند مستضعفان خراسان جوری متخلو شده بود که خبرش
 تا تولیت آستان قدس هم رسید. می‌گفتند یک مدیر اجرایی
 پیدا شده. تحصیل کرده، پاک دست و بالاخلاق. اصلاً از روزی
 که آندازه شمشیرهای امنیتی آستان قدس بود کی از
 یکی از خواهرخویان کتابخانه‌های شهر کتابخانه‌ای زیبای اظاهری
 برآزده سرتاسر و جایگاه فرهنگی درآمد.

برادران روزهای اوج فعالیت‌های علمی اش، با جوان‌ها آشنا کرد
 و دست نداشت قبل از مقطع دیپلم، نقیبی هم به علوم را شناخته بود. تازه
 خانم پیلات خیلی خوب علی محمد را شناخته بود. خانم
 خود بود و چهار سالی نشسته بود پای کاسه درس استاد
 ادبیات درآورد و گردن به خودش

بود می‌رفت شیمی می‌خواند.

ملغمه دانش‌های بی‌ربطی بود
 که توی هرگذاشن به بیرون

شکل ممکن ظاهر می‌شود. او

همان اندازه شمشیرهای را دوست

دادشت که عاشق ادبیات بود و

عربی راهمنان قدر مسلط بود

که زبان فرانسه را وجه تمایز

او باقی دانشجوها، انجام

درست و دقیق هر کاری در

موعد مشخص خود شد

بود. نظم و دقت و تمرکز

خصوصیه لاینک ساختار

ذهنی اش بود. بعد از اینکه

رسید پاییش چند هفته‌ای

از پایگیر شدنش گذشت. تماس

گرفت با نویسنده توی مشهد و

یک بار برای همیشه خاطرش را

جمع کرد که این سفر قرار نیست

طولانی شود.

دلش با رشته شیمی بود ولی

پرس و جو کرده بود گفته بودند

تمام کرد نش خیلی پیشتر

از رشته‌های علم انسانی

زمان می‌برد. روا بود همسرش

را اول زندگی را در روند پیشبرد اهداف

و آسوده می‌رفت سراغ بروزه بعیی. این دفعه‌مندی اش

رشته روان شناسی.

کتابخوان

چشم‌ها به انتظار توتست

راطراحی وصفحه‌آرایی و بخشی
 از مهم ترین عبارات هر کدام از
 فصول کوتاه و متعدد کتاب را با
 تصویرسازی متفاوت چشم نواخته
 کرده است.

برای تهیه این کتاب که با قیمت
 ۹۹ هزار تومان هفته‌گردی می‌رسد.
 می‌توانید سایت انتشارات نیستان
 از هنر خطاطی و گرافیک این کتاب
 مراجعه کنید.

ایجاد حس برانگیزی و خلق احترام
 میان خود و مخاطب نسبت به
 امام غائب^(۱) به کار برد رادر
 به عنوان خالق نثرهای ادبی و
 اثربار آن روبه رومی شویم^(۲) یک‌متن
 حس برانگیز در حوزه ادبیات دینی
 احساس برانگیز صرف نیست بلکه
 نویسنده سعی کرده است احترام و
 حافظه های سنگین کوتاه و عاشقانه
 نیز نیز نشانه شده‌گرافیک، باتفاقی
 امام زمان^(۳) ارایه تلقیق کنودور متن



مشهد، پناه زائرانی از پاکستان

تازه عروس و داماد پاکستانی نخستین مقصداشان پس از آغاز فصل مشترک زندگی مشهد است، بعد از فروگاه مستقیم امده‌اند حرم برای پایوسی. می‌گویند آمده‌ایم از امام رضا^(۱) طلب اولاد کیم و عاقبت به خبری. مادر دخترهم که توفیق زیارت نصیحت شده‌ی گوید که برای خودش چیزی نمی‌خواهد و همین که رسیده‌رم و داشن آرام گرفته برایش کفايت است. او آمده تباری تمام مسلمانان جهان و ظهور امام زمان^(۲) دعا کند.

دنيا برای رحمت او جاندارد

مرد جوان دارد و صیت می‌نویسد می‌گرید و ذکر مصیت می‌نویسد
 دنیا برای رحمت او جاندارد آه این غریب از رفع رحمت می‌نویسد
 از شرح حال خود سخن می‌راند اما انگار در توصیف غربت می‌نویسد
 کاتب ندارد این امیر از بس که تنهایست از درد خود در کنج خلوت می‌نویسد
 غربت در این خانه را ز پنجه بسته است مهمان ندارد. جای صحبت، می‌نویسد
 خمس و زکات شیعیان رامی شمارد سهم فقیران را به دقت می‌نویسد
 در چند خط مگوید از حج و فوابش این بند را با اشک حسرت می‌نویسد
 پیش از نماز و اپسینش رو به قبله از خاطراتش چند رکعت می‌نویسد
 زندان به زندان بان نماز و روزه و عشق درین به درین درین عبرت می‌نویسد
 حتی برای خشم شیرین درنده با چشم‌هایش از محبت می‌نویسد
 بعد از شکایت از جفای این زمانه در رسربید فصل غیبت می‌نویسد
 من زود از رامی روم اما می‌ایم با احتیاط از از رز جمعت می‌نویسد
 می‌نوشد آب و یاد اجداش می‌افتد بار عشه از آزار شربت می‌نویسد
 سر را به پای طفل گندمگون نهاده است بر طالعش حکم امامت می‌نویسد
 فردا خلیفه بر در این خانه با زهر از مرگ او جای شهادت می‌نویسد
 بازارهای سامرخاوش و گریان بر در حدیث حفظ حرمت می‌نویسد
 با دسته‌ای کوچکش یک طفل معصوم نام پدر را روی تربت می‌نویسد

آنیمه سادات هاشمی

چشم‌ها به انتظار خیره را توانی غلیکی گذاشت و سرش را تکان داد.
 مانده بود به هیچ جا. انگار که نمی‌دانست کجا را باید
 نگاه کند، چه کسی را باید چای، سرگشیده دهانش سوخت. طعم تاخ و گس
 بجودی. گنگ و مرد، حیران و سرگشته، چشمان پیرمرد.
 چای، طعم غم های فروخوره پیرمرد بود. راهی بی‌انتها کشیده بود.
 هزینه های سنگین کوتاه و عاشقانه در قهوه خانه که لولا هایش
 یک آشناز راین شهر شلوغ، طعم تهایی و غربت نگاه پیرمرد هوباره افتد تویی بود.
 غمگین باز می‌شد، آدم هایی می‌آمدند و آدمهایی می‌رفتند. صدای استکانهای چای
 بود که به هم می‌خورد و صدای قوه‌چی بود.
 غمگین باز می‌شد و نیزه‌های زنگین بود. این دنیا کشیده بود.
 از چشم پیرمرد در این محدوده نبود.
 اینگشتنش خشک شده بود دور استکانی که
 باید می‌رفت، اما به کجا؟ نمی‌دانست. نگاه
 دهه اش برای یک لحظه، روی تصویری آشنا
 از شیر غریب به شیرینی دیدار یک آشناز
 افتاده که بیوار پشت سرش نصب شده بود.
 حواس او بینجا نبود. دریک صحن بارانی، رو
 مصائب ...
 ایستاد. آشنا را یافته بود، شکر میز آمد
 قهوه چی نگاه کرد. استکان سرد چای اش

قب طلا

به شیرینی مهرباني

چشم‌مان پیرمرد خیره را توانی غلیکی گذاشت و سرش را تکان داد.
 مانده بود به هیچ جا. انگار که نمی‌دانست کجا را باید
 نگاه کند، چه کسی را باید چای، سرگشیده دهانش سوخت. طعم تاخ و گس
 بجودی. گنگ و مرد، حیران و سرگشته، چشمان پیرمرد.
 چای، طعم غم های فروخوره پیرمرد بود.
 راهی بی‌انتها کشیده بود.
 هزینه های سنگین کوتاه و عاشقانه در قهوه خانه که لولا هایش
 یک آشناز راین شهر شلوغ، طعم تهایی و غربت نگاه پیرمرد هوباره افتد تویی بود.
 غمگین باز می‌شد، آدم هایی می‌آمدند و آدمهایی می‌رفتند. صدای استکانهای چای
 بود که به هم می‌خورد و صدای قوه‌چی بود.
 غمگین باز می‌شد و نیزه‌های زنگین بود. این دنیا کشیده بود.
 از چشم پیرمرد در این محدوده نبود.
 اینگشتنش خشک شده بود دور استکانی که
 باید می‌رفت، اما به کجا؟ نمی‌دانست. نگاه
 دهه اش برای یک لحظه، روی تصویری آشنا
 از شیر غریب به شیرینی دیدار یک آشناز
 افتاده که بیوار پشت سرش نصب شده بود.
 حواس او بینجا نبود. دریک صحن بارانی، رو
 مصائب ...
 ایستاد. آشنا را یافته بود، شکر میز آمد
 قهوه چی نگاه کرد. استکان سرد چای اش